

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»

سال دوم، شماره سوم - بهار و تابستان ۱۳۹۸؛ صص ۹۹-۱۱۹

بررسی و تحلیل اختلاف قرائات قرآن کریم از دیدگاه ابن جزری در کتاب النشر

فی القرائات العشر

افشان بستاکچی^۱

کریم پارچه باف دولتی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۵)

چکیده

«علم قرائت» از جمله مهم‌ترین علوم قرآنی است، که تأثیر بسزایی بر ترجمه و تفسیر قرآن گذاشته و اختلاف قرائات در آیاتی از قرآن که اختلاف در کلمات را منجر می‌شود، بر معنای آنها نیز تأثیر موثر دارد. ابن جزری یکی از بزرگان علم قرائت در زمان خود بوده است. وی در رابطه با علم قرائت و شرایط پذیرش قرائت صحیح معتقد است قرائتی صحیح بوده که شرایط سه گانه؛ صحیح بودن سند، تطابق قرائت با قواعد عربی و تطبیق قرائت با مصحف عثمانی را دارا باشد، که روی مورد سوم بیش از دو مورد قبل تأکید کرده و همین امر اسباب مخالفت سایر علماء را با وی فراهم آورده است. در این پژوهش ضمن تبیین مستندات موجود درباره علم قرائت و وضعیت پیدایش قرائت، دیدگاه ابن جزری نیز در رابطه با علم قرائت، شرایط پذیرش قرائت صحیح، منشأ اختلاف قرائات و پیدایش قرائات مختلف را در کتاب "النشر فی القرائات العشر" مورد واکاوی قرار داده ایم. این نوشتار با نگرش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و اطلاعات با روش اسنادی - کتابخانه ای جمع آوری شده است.

واژه های کلیدی: قرائت، اختلاف قرائات، ابن جزری، النشر فی القرائات العشر

^۱. کارشناس ارشد علوم قرآنی a.bostakchi2602@gmail.com

^۲. استاد یار گروه پژوهشی مطالعات قرآنی kdowlati@chmail.ir

مقدمه

با دقت و نگرش در منابع علم قرائات و مراجعه به برخی فهرست نگاری‌ها و مقایسه آن با منابع دیگر علوم می‌توان در یافت که علم قرائات مهمترین، متنوع‌ترین و پر تألیف‌ترین شاخه علوم قرآن است (اقبال، ابراهیم، ۱۳۸۵: ص ۴۵). در واقع در رابطه با علم قرائات باید بیان نمود که قرائات اصلی و صحیح همان قرائتی بود که توسط پیامبر (ص) بر صحابه خوانده می‌شد؛ اما پس از ایشان برخی اصحاب با تشکیل مکتب‌های آموزش و قرائات قرآن بر اساس مصحف‌های شخصی خود هر کدام به نوبه‌ی خود قرائات خاصی از قرآن را ارائه دادند و همین امر موجب پدیدار شدن قرائات مختلف شده و پیدایش علم قرائات و اختلاف قرائات نیز از این جا ناشی گردیده است (ذهبی، شمس الدین، بی تا: ج ۱، ص ۳۲)؛ اما در این میان ابن جزری عالم علم قرائات که چندین کتاب را در رابطه با قرائات و قاریان علم قرائات نوشته است خود دارای دیدگاه مستقلی در رابطه با این علم می‌باشد. حال به منظور بررسی موضوع علم قرائات از دیدگاه ابن جزری در کتاب "النشر فی القرائات العشر" ابتدا زندگی نامه این عالم بزرگ در علم قرائات را مورد واکاوی قرار داده، سپس به اجمال معرفی کلی از فصول و مقدمه کتاب «النشر» را مورد بررسی و تبیین قرار داده و با استفاده از این کتاب و دیدگاه ابن جزری در آن مروری بر تاریخچه و توصیف علم قرائات، سیر تحول و عوامل ایجاد اختلاف قرائات و به طور کلی دیدگاه ابن جزری را در رابطه با موارد ذکر شده مورد بررسی قرار دهیم.

قابل یادآوری است که تحقیقاتی که در حیطه قرائات و اختلاف قرائات به رشته تحریر در آمده و با پژوهش حاضر تشابه موضوعی دارند عبارتند از:

مقاله «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر» نوشته شده توسط عباس همای (۱۳۸۳) که به بررسی تأثیر اختلاف قرائات بر تفسیر آیات پرداخته است مقاله دیگری تحت عنوان «ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن» نوشته کاظم استادی (۱۳۹۴) که تأثیرات اختلاف قرائات با تحریف قرآن را مورد واکاوی قرار داده است. مقاله «بررسی عوامل زبانی تأثیر گذار در پیدایش اختلاف قرائات» نگارنده محمد رضا حاجی اسماعیلی (۱۳۸۰ش) که بیشتر به تأثیرات لغوی و زبانی بر اختلاف قرائات پرداخته است. عنوان بعدی «تأثیر اختلاف لهجه قبایل عرب در اختلاف قرائات و رسم الخط مصحف» نوشته یعقوب جعفری (۱۳۷۶ش) که بیشتر حول محور تأثیرات اختلاف لهجه بر

اختلاف قرائت را مورد بررسی قرار داده‌است. همچنین مقاله ای با عنوان «تحقیقی پیرامون تواتر قرائات قرآن کریم» نوشته مهین شریفی اصفهانی (۱۳۷۸ش) که به بررسی تواتر علم قرائات پرداخته و ادله موافقان و مخالفان تواتر قرائات را مورد بررسی قرار داده‌است. و در آخر مقاله «عوامل اختلاف قرائات قرآن کریم» نوشته ابراهیم کلانتری (۱۳۷۷ش) است که علل و عوامل اختلاف قرائات را مورد بررسی قرار داده‌است.

اما نزدیکترین عنوان به نوشتار حاضر پایان نامه: بررسی تجوید قرآن کریم در کتاب النشر فی القرائات العشر ابن جزری از دیدگاه آواشناسی نوین نوشته سید حسین میر تقی (۱۳۸۸ش) می- باشد، که در این پژوهش بیشتر به مباحث تجوید و آواشناسی پرداخته و در حیطه قرائت از دیدگاه ابن جزری وارد نشده‌است. از آنجا که هیچ موضوع مستقلی مبنی بر دیدگاه ابن جزری در رابطه با علم قرائات در کتاب النشر به صورت مقاله و پایان نامه صورت نگرفته است؛ بنابراین همین امر جنبه نو بودن موضوع را می‌رساند.

۱. معرفی اجمالی ابن جزری

به منظور یافتن زاویه دید مناسب نسبت به موضوع مطرح شده و آشنایی با ابن جزری، به طور کلی به بررسی موارد ذیل می‌پردازیم:

۱-۱ بیوگرافی شخصی ابن جزری

شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن علی بن یوسف بن جزری شافعی معروف به علامه «ابن جزری» (۸۳۳-۷۵۱ق / ۱۴۳۰-۱۳۵۰م) مقری، محدث و فقیه شافعی می‌باشد. نسب جزری، به جزیره ابن عمر واقع در جنوب شرقی ترکیه کنونی بر می‌گردد. وی متولد دمشق است و در همان جا به فراگیری قرائت و حدیث پرداخت و نابغه قرن نهم و نادره در علم تجوید و قرائت است. (سخاوی، محمد، ۱۳۵۵: ج ۹، ص ۲۵۵). حدیث ابن جزری با وجود اینکه تحت الشعاع قرائت وی قرار گرفته؛ اما قابل اعتناست. در واقع وی در حدیث علی رغم قلت روایت، سندی عالی و بر اسانید آن وقوف قابل تحسینی دارد (همان، ص ۲۵۹-۲۸۵).

۱-۲- علم ابن جزری در قرائت

در واقع آنچه موجب اشتهار ابن جزری شده است، مقام وی در علم قرائت است. همچنین تلاش او برای استماع از بزرگترین مقریان بلاد اسلامی موجب شد که قرائت وی نه تنها از حیث تعدد طرق، بلکه از حیث علو اسناد نیز چشم‌گیر باشد (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۱۹۴).

۱-۳- آثار ابن جزری در علم قرائت

ابن جزری تقریباً ۲۳ اثر و تألیف در علم قرائت دارا می‌باشد، که از جمله مهمترین آثار وی در حیطه قرائت، کتاب «النشر فی القرائات العشر» است، که وی آن را با عنوان «تقریب النشر» خلاصه کرده است و با عنوان «طیبه النشر» به شعر در آورده است. اثر دیگر ایشان در این زمینه «النهایه» بوده که خلاصه آن «غایه النهایه فی طبقات القراء»؛ که در زمینه علما و رجال قرائت قرآن نوشته شده و در این کتاب بر اساس حروف الفباء به معرفی قاریان و تألیفات آنان پرداخته است. سومین اثر ابن جزری در محور قرائت، کتاب «منجد المقرئین و مرشد الطالبین» می‌باشد؛ همچنین کتاب «تحریر التیسیر» نیز یکی دیگر از آثار وی در زمینه قرائت است (پاکتچی، احمد، ۱۳۷۰: ج ۳، ص ۲۳۱). در واقع تألیفات ابن جزری که از بزرگان علم قرائت محسوب می‌شود به اعتبار جایگاه خود او بوده است که خود یکی از تقسیم‌بندی‌های اعتبار کتب قرائت به حساب می‌آید (اقبال، ابراهیم، ۱۳۸۵: ص ۵۲). این امر خود گویای آن است که ابن جزری در رابطه با کتب مربوط به قرائت یکی از عالمان مطرح زمان خود بوده است.

۲. معرفی کتاب النشر فی القرائات العشر ابن جزری

یکی از مبانی و مقدمات هر علم آشنایی با موضوعات و مباحثی است که در آن علم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت به منظور آشنایی اجمالی با محتوی و مطالب موجود در کتاب «النشر» که از جهت صحت یکی از کتب معروف، معتبر و دسته اول در علم قرائت است. (امیری، جهانگیر، ۱۳۸۳: ص ۲۱). در واقع در تقسیم‌بندی موضوع کتب قرائت منابعی وجود دارد، که با توجه به اصول و قواعد کلی حاکم بر قرائت دست به نگارش زده‌اند و گاهی هم با دید جزئی به موضوع پرداخته‌اند. کتاب «النشر» جزء آن دسته از کتب قرائت است که نویسنده با قواعد و مبانی کلی آن را نگاهشته است (رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۴: ش ۴، ص ۱۱۹).

کتاب‌النشر دارای یک مقدمه و فهرست موضوعات می‌باشد، که به صورت اجمالی به معرفی این موارد می‌پردازیم:

۲-۱- مقدمه کتاب‌النشر

مقدمه این کتاب طولانی است و شامل مباحثی در فضیلت حاملان قرآن، شیوه آموزش قرآن، صحابه قاری، نگارش مصاحف، ارکان قرائت صحیح، قراءات شاذ، بحث در باره سبعة احرف و معانی آن، و رد اینکه قراءات هفتگانه مصداق سبعة الحروف هستند می‌باشد. همچنین ایشان در مقدمه کتاب خود به بررسی کتب مربوط به علم قرائت پرداخته، و نام ۵۶ کتاب در این زمینه را آورده و آنها را معرفی کرده‌است. (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۵۰).

۲-۲- فهرست موضوعات کتاب‌النشر در فهرست موضوعات کتاب‌النشر مطالبی مانند: ۱-زندگی نامه قراء و راویان و طرق آنها ۲- اسناد کتاب‌هایی که مؤلف آن را روایت کرده‌است و النشر بر اساس آن نگاشته شده‌است ۳- اسناد مؤلف تا قراء دهگانه ۴- مخارج حروف ۵- صفات حروف ۶- مراتب قرائات ۷- تجوید ۸- احکام میم ساکن ۹- وقف ابتداء ۱۰- استعاذه ۱۱- بسمله (تسمیه) ۱۲- سوره حمد (و احکام «هما و هم») ۱۳- ادغام کبیر ۱۴- احکام هاء و ضمیر ۱۵- غایب ۱۵- مد و قصر ۱۶- احکام همزه ۱۷- نقل و حذف همزه ۱۸- احکام سکت بر ساکن ما قبل از همزه ۱۹- احکام وقف بر همزه ۲۰- ادغام صغیر ۲۱- اماله ۲۲- وقف بر هاء تأنیث ۲۳- احکام راء ۲۴- احکام لام ۲۵- وقف بر اواخر کلمات ۲۶- وقف بر رسم الخط ۲۷- احکام یاء های محذوف از رسم ۲۸- احکام یاء های اضافه ۲۹- افراد و جمع قراءات قرآنی ۳۰- فرش الحروف ۳۱- احکام تکبیر ۳۲- احکام ختم قرآن (همان، ص ۴۷). همانطور که ذکر شد مباحث «النشر» تقریباً مفصل بوده و موضوعات فرعی بسیاری را در بر می‌گیرد.

۳. مفهوم شناسی

به منظور رساندن مفهوم قرائت لازم است، ابتدا به بیان قرائت در لغت و اصطلاح پرداخت:

۳-۱- قرائت در لغت:

قرائت از ریشه « قرأ» به معنای تلفظ کردن کلمات یک مجموعه، گرد آوردن، خواندن و ابلاغ کردن؛ اما به صورت عام و کلی به خواندن اطلاق می‌شود (ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۸). از طرفی قرائت قرآن، تلفظ کردن آیات و کلمات آن می‌باشد.

۳-۲- قرائت در اصطلاح

به معنای عنوان رشته‌ای علمی، گاه به عنوان اصطلاحی درون دانشی به کار می‌رود، قرائت به عنوان رشته علمی در رابطه با قرائت و قاریان سخن به میان می‌آورد و گاه مقابل روایت قرار می‌گیرد و مقصود از آن اخباری است که به اتفاق طرق به قراء منسوب باشد (دمیاطی، احمد، ۱۴۲۷: ج ۱، ص ۲۶). از دیدگاه ابن جزری قرائت را گاه به معنای علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف نطق به آن در میان قاریان معروف دانسته‌است (ابن جزری، محمد، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۹؛ جرمی، ابراهیم، ۱۴۲۹: ص ۲۲۱).

۴. مروری بر تاریخچه علم قرائت و تحول آن

به منظور تبیین تاریخچه علم قرائت ابتدا به بررسی اجمالی مباحثی چون:

۴-۱- تعریف علم قرائت

علمی است که از کیفیت ادای کلمات قرآن بر مبنای روایات مربوط به آن بحث می‌کند و این علم با قرائت به معنای تلاوت و خواندن تفاوت چشم‌گیری دارد (ابن جزری، محمد، ۱۴۲۰: ص ۳). در واقع علم قرائت به پیدایش علوم دیگر مانند تجوید، وقف و ابتداء، صوت و لحن، اعراب قرآن و منجر به نگارش آثاری اختصاصی شده‌است (اقبال، ابراهیم، ۱۳۸۵: ص ۴۵). سایر علوم مانند حدیث، تفسیر، طب، علوم قرآن، ادبیات عرب، فقه، رجال، استشراق و... نیز به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با علم قرائت در ارتباط هستند (ر.ک: ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۴۳۴: ص ۸۹). در هنگام تقسیم بندی منابع قرائت شاکله کلی این علم مد نظر است؛ اما گاهی برخی نویسندگان به منظور تفکر بیشتر و تحلیل عمیق تر، قسمت خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند

برای مثال ابن جزری در کتاب «النشر»، اصول قرائت و تحلیل رویکرد های آن را مورد توجه و تعمق قرار داده است. (رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۵: ص ۲۰).

۴-۱-۱- پیشینه قرائت

پیامبر اکرم پس از دریافت وحی، فرمان قرائت آن را برای دیگران نیز دریافت کرده و قرآن را به صحابه آموزش می‌دادند. با وجود اینکه احادیثی مبتنی بر چند نوع بودن قرائت از سوی پیامبر(ص) نقل شده‌است؛ اما بسیاری از پژوهشگران با آوردن دلایل مختلف وجود اختلاف قرائت را به دوران پیامبر مربوط نمی‌دانند و معتقدند اینها احادیث ساختگی بعد از زمان پیامبر می‌باشد (معارف، مجید، ۱۳۷۷: ص ۱۳). در واقع پیامبر آیات نازل شده را به مسلمانان تعلیم می‌دادند و آنان پس از فرا گرفتن به صورت مکرر نزد ایشان قرائت می‌کردند تا به خوبی یاد بگیرند. به دستور آن حضرت افرادی همچون حضرت علی علیه السلام، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، ابودرداء و زید بن ثابت، آیات و سوره‌ها را به مردم تعلیم می‌دادند؛ اما به دلیل اینکه خط در آن زمان ابتدایی بود و فاقد اعراب و نقطه و نشانه‌های به کلمات بود، هر چند این مسأله در آن زمان ایجاد مشکل در قرائت نکرد؛ زیرا در آن زمان ابتدا قرآن را با قرائت پیامبر و صحابه نام برده حفظ می‌کردند؛ اما بعدها به دلیل فاصله گرفتن از زمان حیات پیامبر و در دسترس نبودن قرائت اصلی، که همان قرائت پیامبر(ص) بود؛ بنابراین همین امر منجر شد اختلافاتی در قرائت ها پدید آمد(میر تقی، سید حسین، ۱۳۸۸: ص ۸۵-۱۰۵).

۴-۱-۲- معیار پیروی از قرائت

می‌توان بیان کرد که بعد از پیامبر(ص) صحابه قرائت را از ایشان فرا گرفته و برخی از آنان که در حفظ قرآن و تلاوت آن تبحر و علاقه بیشتری داشتند و مورد قبول مردم آن زمان بودند بیشتر مورد توجه و رجوع سایر افراد قرار می‌گرفتند. (ذهبی، بی تا: ج ۱، ص ۱-۲۵).

۴-۲- منشأ اختلاف قرائات

اختلاف قرائات و پیدایش علم قرائات نیز از آن جا ناشی گردیده، که برخی اصحاب با تشکیل مکتب‌های آموزش و قرائت قرآن بر اساس مصحف‌های شخصی خود هر کدام به نوبه‌ی خود قرائت خاصی از قرآن را ارائه دادند و همین امر موجب پدیدار شدن قرائات مختلف شده‌است. (همان، ج ۱، ص ۳۲). هر چند بعدها با یکی کردن مصاحف توسط عثمان به منظور برطرف نمودن اختلاف قرائات تلاش بسیاری شد؛ اما باز این مسأله برطرف نگردید و بعدها با بوجود آمدن علم قرائات و برگزیدن و گزینش روایات صحیح مربوط به قرائت، اساتید در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم موفق به ارائه قرائت ویژه‌ای به مردم شدند و افرادی را به عنوان «قراء مشهور سبعة» توسط ابن مجاهد برگزیده و به مردم معرفی گردید (ابن ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا: ص ۴۰۳)؛ اما معلوم نیست چرا و به چه علت ابن مجاهد عدد هشت، ده و یا چهارده را اعلام نکرده‌است، شاید وی به دلیل سازگاری این هفت قرائت با معیارهای خود آنها را انتخاب کرده است و به موضوع مقدس بودن عدد هفت در بین شرقی‌ها توجه کرده و یا اینکه به حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف» اکتفا کرده‌است و همین امر موجب تقدس قرائات سبع گردید؛ اما ابن جزری در این باره می‌گوید: «جهال فکر می‌کنند احرف سبعة همان قرائات سبعة است» (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۳۶).

۴-۳- تألیف علم قرائات

در قرن سوم کار تألیف و تدوین در قرائات گسترش پیدا کرد و تألیفات علم قرائت و اختیارگرایی در قرائات نیز در این دوران آغاز شده‌است.

۴-۳-۱- گرد آوری قرائات معتبر

قاریان قرائات به جمع آوری قرائات معتبر پرداختند. به عقیده ابن جزری نخستین کسی که در کتاب خود حدود سی نوع قرائت جمع آوری کرده بود ابو عبید قاسم بن سلام است، پس از او احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) قرائات از پنج شهر مدینه، کوفه، بصره، شام و مکه که مهد قرائات بوده‌اند گردآوری کرده‌است. یکی دیگر از اشخاصی که کار تألیف و جمع آوری قرائات را به انجام

رسانید، محمد بن جریر طبری (د۳۱۰ق) در کتاب «الجامع» به بیست قرائت در این کتاب اشاره نموده‌است. (همان، ج ۱، ص ۳۴).

۴-۳-۲- تأثیر علم نحو در قرائت

با شکل‌گیری علم نحو در این دوران این قائده نیز در علم قرائت دخالت پیدا کرد، بنابراین معیار تطبیق قرائت با دستور زبان عربی شکل می‌گیرد. نمونه‌ای از آن تألیف ابوحاتم سجستانی (م ۲۵۵ ق) است، که دارای اختیار در قرائت می‌باشد. (فضلی، عبدالهادی، بی تا: ص ۴۰-۴۵). ابن جزری بیان می‌کند که ابوحاتم اولین کسی است که در قرائات تألیف کرد و اختیار داشته‌است و اختیار ابو حاتم از نظر گرایش مکتبی در زمره قرائات بصری است. (پاکتچی، احمد، ۱۳۷۰: ج ۱۵، ص ۳۱۲). همچنین وی پس از تمجید از ابو عبید خاطر نشان می‌کند که ابو عبید اختیار در قرائت داشته است. (ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۲، ص ۱۸). از جمله دیگر نحویان نامدار که در قرائت تألیفاتی داشته‌است از ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ق) نام برد. (همو، ج ۴، ص ۴۵۷-۴۵۹). از طرفی قرائت خلف بن هشام که از قرای عشر بوده، اختیار دانسته‌اند و دلیل این امر را مخالفت قرائت وی در برخی حروف با قرائت حمزه می‌باشد. (ابن جزری، محمد، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۲۷۴)؛ اما هیچ کدام از این اقدامات نتوانست تشکیل و انتشار قرائات مختلف را مهار کند.

۵. شرایط قرائت صحیح از دیدگاه ابن جزری

ابن جزری در «النشر» با بیان شاهد معتقد است، که قرائات معتبر باید دارای سه ویژگی زیر باشد:

۵-۱- صحت سند

صحت سند به معنای نقل روایت پیامبر (ص) از طریق راویان موثق می‌باشد.

۵-۲- مطابقت با قواعد عربی

عربی فصیح که قرآن بر اساس آن وحی شده‌است و لو آنکه این موافقت بر حسب یکی از وجوه و اقوال مربوط به قواعد عربی باشد. ابن جزری در این باره می‌گوید: «منظور ما این است که قرائت

به وجهی از وجوه با قواعد عربی موافقت داشته باشد خواه افسح باشد یا فصیح، خواه قاعده‌ای متفق علیه باشد یا مورد اختلاف در صورتی که قرائت شیوع داشته و اما قرائت آن را با سند صحیح پذیرفته باشند چنین اختلافی در قواعد عربی آسیبی به قرائت وارد نمی‌کند. (همان: ج ۱، ص ۱۱).

۵-۳- مطابقت قرائت با مصحف عثمانی

هر چند این موافقت مبنی بر احتمال باشد: زرقانی در این خصوص می‌گوید: «منظور ابن جزری از موافقت با مصاحف عثمانی این است که قرائت در یکی از مصاحف عثمانی ثابت باشد. منظور از تعبیر «ولو تقدیرا» این است که روایت اگر موافق با رسم مصحف باشد اما موافقت آن صریح نباشد اشکالی ندارد مانند: کلمه «مالک» در آیه «مالک یوم الدین» که در تمام مصاحف عثمانی بدون الف است بنا براین قرائت حذف الف موافقت تحقیقی با مصحف دارد در حالی که قرائت با الف موافقت تقدیری دارد. (زرقانی، محمد عبدالعظیم، ۱۹۵۵: ج ۱، ص ۴۱۸-۴۱۹).

به عقیده ابن جزری این ملاک آخر است که نشان می‌دهد چه قرائتی مورد پذیرش قرار گیرد. در واقع دارا بودن هر سه ملاک نشانگر قرائت مورد پذیرش است و هر کس آن قرائت را رد کند کافر است و قرائتی که فقط مورد اول و دوم را داشته باشد مقبولیت دارد؛ اما مجاز به قرائت نیست و نفی آنها موجب کفر نمی‌شود. (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴: ص ۴-۱۳). این یکی از مباحثی است که موجب اختلاف نظر سایر علما با ابن جزری می‌شود.

تقسیم قرائات بر اساس مقیاس‌های بیان شده

الف) قرائات صحیح: عبارت از قرائاتی است که شرایط مذکور را داشته باشد.

ب) قرائات غیر صحیح: قرائاتی است که فاقد شرایط و ارکان سه گانه باشد.

در واقع ابن جزری ما را به انگیزه‌هایی رهنمون می‌سازد که باعث وضع این مقیاس شده است به عقیده وی «آنگاه قراء پس از قرائتی که از آنها یاد کردیم (یعنی قرائتی که در این شهرهای پنج گانه اهم فرصت خود را در اختیار بحث و تدریس قرائات قرار دادند) رو به فزونی گذاشته و در بلاد اسلامی پراکندند و گروهی پس از گروهی دیگر جانشین هم گشتند، طبقات آنها شناسایی شد

و معلوم گشت که از لحاظ صفات و ویژگی‌ها متفاوت بودند». (حجتی، محمد باقر، ۱۳۷۳: ص ۷۰) پاره ای از قراء دارای قرائتی صحیح و استوار، و برخوردار از شهرت در روایت و درایت به نظر می‌رسیدند.

پاره‌ای دیگر فقط واجد برخی از اوصاف و مزایا بودند و اختلاف زیادی میان آنها جلب نظر نمی‌کرد، و ضبط قرائات رو به کاهش نهاده و شکاف و اختلاف گسترش یافت تا جائی که احیانا درست و نادرست در هم در آمیخته و باطل به صورت حق خود نمایی می‌کرد؛ بنا براین دانشمندان آگاه و علمای زبده قرائت به پا خاستند و نهایت تلاش و کوشش خویش را به کار گرفتند و حقی را که هدف و آماج تلاش آنها بود آشکار ساختند و حروف و قرائات را گرد آوری و وجوه و روایات را به اسناد آوردند و از رهگذر بنیان اصول و مبانی و گزارش ارکان و شرایط امتیاز میان قرائات مشهور، شاذ و قرائات صحیح، شاذ، متروک و مردود را مشخص نمودند. (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۹).

ابن جزری می‌گوید: «از ابن مقسم نقل می‌کند که او می‌گفت: هر قرائتی که با رسم المصحف عثمانی سازگار باشد و قابل انطباق با وجهی در عربیت به نظر رسد قرائت قرآن بر طبق آن جایز است، اگر چه نتوانیم برای آن سندی را به دست بیاوریم». (حجتی، محمد باقر، ۱۳۷۳: ص ۷۳).

۶. نقد دیدگاه ابن جزری در رابطه با شرایط پذیرش قرائت صحیح

ابن جزری در رابطه با موافقت قرائت با رسم المصحف عثمانی که یکی از ارکان سه گانه پذیرش قرائت صحیح وی بوده بسیار پا فشاری کرده به طوری که قرائتی را که دو ویژگی صحت سند و تطابق با قواعد عربی را دارا باشد؛ اما با رسم المصحف عثمانی موافق نباشد را مردود اعلام کرده است. از جمله نقدها که به شرایط سه گانه ابن جزری وارد است؛ اینکه ضوابط مورد نظر ابن جزری با تمام امتیازاتی که دارد دارای این اشکال اساسی است که ناخواسته قرائت شاذ و ضعیف را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا با توجه به ویژگی‌های رسم المصحف عثمانی و وجود آراء و اقوال مختلف در قواعد زبان عرب می‌توان بسیاری از قراءات ضعیف را به نحوی مطابق با رسم المصحف و یا به نحوی موافق با قاعده ای از قواعد عربی دانست، در آن صورت ضوابط سه گانه

ابن جزری خاصیت خود را جهت تشخیص قرائات صواب از ناصواب از دست داده و در عمل نمی‌تواند معیاری برای سنجش قراءات باشند (امیری، جهانگیر، ۱۳۸۳: ص ۶۹-۷۰).

آیت الله معرفت در کتاب التمهید در یک بررسی کلی اشکالات زیادی را به ارکان مورد نظر ابن جزری وارد کرده‌است و نقاط ضعف آن را به خوبی نشان داده‌است و در پذیرش یک قرائت به ارائه سه قسمت دیگر پرداخته‌است که عبارتند از: الف) موافقت با ضبط معروف میان مسلمانان در ماده صورت و محل کلمه؛ ب) موافقت قرائت با قواعد افصح لغت عرب؛ ج) عدم معارضه قرائت با دلیلی قطعی خواه دلیل عقلی باشد یا نسبت متواتر و یا روایت صحیح الاسناد و مورد قبول ائمه قرائات (معرفت، محمد هادی، بی تا: ج ۲، ص ۱۵۴)

در پایان بحث ذکر دو نکته ضروری است:

معیارهایی که علمای شیعه برای اعتبار قرائات در نظر گرفته‌اند تفاوت چندانی با معیارهای مورد نظر اهل سنت ندارد و حتی شرایطی که دانشمندان شیعه برای پذیرش قرائات و اعتبار و ارزش آنها یاد کرده‌اند دقیق‌تر به نظر می‌رسد و بیانگر آن است که نظریه آنها به صواب نزدیک‌تر است. (حجتی، محمد باقر، ۱۳۶۰: ص ۳۸۳).

قرائات هیچ یک از قراء مورد قبول واقع نمی‌شود جز آن که اخذ قرائت او از مافوق به طریق نقل و اخذ (گفتاری و شنیداری) ثابت گردد تا آنجا که اسناد او به مشایخی منتهی گردد که آنها نیز قرائت را مستقیماً از رسول خدا اخذ کرده‌اند. (سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۳۲).

۷- عوامل پیدایش اختلاف قرائات

با بررسی‌های انجام شده در رابطه با مسأله اختلاف قرائات ماحصل آنچه که بدست آمده این است که عوامل اختلاف در قرائات قرآن مربوط به دوران صحابه می‌باشد، که پس از وفات پیامبر (ص) آنها بر سر جمع و تدوین قرآن اختلاف کردند و همین امر موجب اختلاف در میان برخی قاریان شده‌است در واقع به دلیل ابتدایی بودن خط در جامعه عربی و عدم وجود نقاط و اعراب در کلمات و همچنین یکی از مهمترین عوامل در ایجاد زمینه اختلاف قرائات نبودن الف در رسم الخط آن روز بود. (امیری، جهانگیر، ۱۳۸۴: ص ۱۷-۱۹).

۷-۱- عوامل کلی اختلاف قرائات

به طور کلی سه عامل در اختلاف قرائات موثر بوده‌اند که از میان آنها دو عامل طبیعی و یک عامل ارادی می‌باشد این عوامل عبارتند از:

۷-۱-۱- صباوت خط عربی: مقصود از خط، رسم الخط به تنهایی نیست بلکه شامل علائم نگارشی، اعراب و نقطه گذاری نیز می‌باشد. به طور قطع خط عربی در زمان نزول تا زمان حجاج بن یوسف ثقفی یعنی حدود یک سده، شامل ضعف‌های جدی بوده، که عمده این ضعفها شامل:

الف) فاقد معیار پذیرش عمومی از لحاظ رسم الخط و پیرو سلاطین کاتبان بوده‌است

ب) عدم بکار بردن نقطه در خط عربی با وجود شباهت بین حروف ع-غ-ت-ب-ث-ز-ش-س و... که طبیعی است دوباره خواندن آنها کاری بس دشوار است.

ج) برخلاف سایر زبان ها که به منظور باز خوانی فقط نیازمند رسم الخط یا چینش حروف است، زبان عربی علاوه بر رسم الخط نیازمند علائم اعرابی بر سر هر حرف می‌باشد که اگر این علائم نباشد فهم مقصود گوینده دشوار می‌شود و گاه خلاف مفهوم را ادا می‌کند.

۷-۱-۲- اختلاف لهجه قبایل مختلف عرب: گرچه زبان مشترک مسلمانان عرب زبان در صدر اسلام عربی بوده‌است اما قبایل متعدد عرب لهجه‌های متعددی داشتند. از جمله این اختلاف لهجات می‌توان به «اماله» «تسهیل همزه» «صله میمی» و... اشاره نمود. (امیری، جهانگیر، ۱۳۸۴: ص ۱۸).

۷-۱-۳- اجتهادات قرآء: این عامل یکی از مهمترین عوامل پیدایش اختلاف قرائات می‌باشد. در واقع هر قاری نظری دارد که در قرائتی که انتخاب کرده به آن نظریه اعتماد کرده‌است گاهی افراد، تعصبات شدید به رأی و عقیده خود را دارند اگر چه نظر آنان مخالف اکثر علماء باشد در این رابطه آیت الله خوئی می‌گوید: «روشن نیست که اختلاف قرائت منسوب به نقل باشد بلکه به اجتهادات قراء منسوب است و مؤید آن، تصریح بزرگان این فن است (خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۰۱: ص ۱۸۱).

۷-۲- علل اختلاف قرائات از دیدگاه ابن جزری

مراد از اختلاف قرائت از دیدگاه عالم علم قرائت ابن جزری شامل موارد ذیل می‌باشد:

ردیف	قرائت مصحف	قرائت متفاوت	اختلاف قرائات
۱	يَحْسَبُ	يَحْسِبُ	اختلاف در حرکت و اعراب
۲	زَكْرِيَّا	زكرياء	اختلاف در حرکات
۳	نُنشِرُهَا	نُنشِرُهَا	اختلاف در حروف کلمه
۴	بَسَطَهُ	بسطه	اختلاف در حروف کلمه
۵	يَأْتِل	يتأل	اختلاف در حروف و کلمه
۶	الجُوعِ وَ الخَوْفِ	الخَوْفِ وَ الجُوعِ	اختلاف در تقدیم و تأخیر

۷-۲-۱- اختلاف در حرکات و کلمات بدون تغییر معنا و صورت آن: مانند کلمه «يَحْسَبُ» که با کسر سین هم خوانده می‌شود. «يَحْسِبُ».

۷-۲-۱- اختلاف در حرکات با تغییر معنا و صورت: مانند اختلاف در کلمه «زَكْرِيَّا» در آیه «وَ كَفَّلَهَا زَكْرِيَّا» (آل عمران: ۳۷) که به صورت «زکریاء» یعنی منصوب نیز قرائت شده است^۱

۷-۲-۳- اختلاف در حروف کلمه با تغییر کلمه و بقای صورت: مانند کلمه «نُنشِرُهَا» در آیه «أَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا»^۱ (بقره: ۲۵۹) که به صورت «نُنشِرُهَا» با (راء) هم خوانده شده است.

^۱ معنی در قرائت اول به این صورت است: «زکریا مریم را سرپرستی کرد» در حالی که در قرائت دوم اینگونه معنا می‌شود: «خداوند زکریا را سرپرست مریم قرار داد.

۷-۲-۴- اختلاف در حروف با تغییر صورت و بقای معنا: مانند کلمه «بَسْطَةٌ» در آیه «وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً» (اعراف: ۶۹) که به صورت «بسطه» هم قرائت شده است.^۱

۷-۲-۵- اختلاف در حروف با تغییر معنی و تغییر صورت: مانند کلمه «يَأْتِل» در آیه «... و لَا يَأْتِلَ أُولَؤُلَا...» (نور: ۲۲) که به صورت «یتأل» هم خوانده شده است.

۷-۲-۶- اختلاف در تقدیم و تأخیر: مانند آیه «فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» (نحل: ۱۱۲) که به صورت «فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» نیز قرائت شده است.^۲

۷-۲-۷- اختلاف در زیادت و نقصان: مانند آیه «وَمَا عَمَلَتْهُ أَيْدِيهِمْ» که به صورت «وَمَا عَمِلَتْ أَيْدِيهِمْ» هم قرائت شده است. (ابن جزری، محمد، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۲۸)

۸. معرفی قاریان سبع و عشر از دیدگاه ابن جزری

در زمان توحید مصاحف در عصر خلیفه سوم نام صدها نفر را به عنوان مقری و قاری در لابه لای منابع تاریخی معرفی شد اما معروف‌ترین آنها افرادی بودند که در دوره‌های بعد قاریان سبعة و عشره را تشکیل دادند این قاریان و شرح مختصر آنها عبارتند از:

۸-۱- ابن عامر دمشقی

عبدالله ابن عامر بن یزید بن تمیم الیحصیبي الدمشقی نخستین قاری از میان قراء سبعة متعلق به طبقه سوم قراء می‌باشد و ابن ندیم وی را در طبقه نخست تابعان دانسته است. (ابن ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا: ص ۴۷-۴۸). وی از صحابه پیامبر نبوده است و قرآن را بر تعدادی از صحابه مانند: ابوالدرداء، مغیره بن ابی شعبه مصاحب عثمان، ابو معاذ، عثمان بن عفان قرائت کرده است البته ابن جزری قرائت وی بر عثمان را بعید می‌داند. (ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۲، ص ۶۳۰). در قرائت قرآن شاگردانی به عرضه و سماع داشته است که در رأس آنان یحیی ذماری است. در راوی

^۱ به استخوانها نگاه کن که چگونه آنها را برداشته وبه هم پیوند می‌دهیم.

^۲ شما را از جهت خلقت گسترش داد.

^۳ «خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس بر اندامشان پوشانید»

مشهور ابن عامر، عبدالله بن ذکوان و هشام بن عمار که به واسطه ایوب قرائت ابن عامر را روایت کرده‌است، ابن جزری اهل شام و جزیره را تا حدود سال ۵۰۰ق بر قرائت ابن عامر دانسته است اما بعد از آن با رواج قرائت ابو عمرو بصری تنها مردم دمش به قرائت ابن عامر پای بند بودند. (همان، ص ۶۳۱-۶۳۳).

۸-۲- ابن کثیر مکی

ابو معبد عبدالله بن کثیر بن المطلب جز قاریان سبعة از طبقه سوم قراء و تابعان می‌باشد. دارای اصالتی فارسی است و ذهبی و ابن جزری بر این قول قوت بیشتری داده‌اند (ذهبی، شمس الدین، بی تا: ص ۳۱۸-۳۲۰؛ ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۲، ص ۶۵۶). وی را با اوصافی مانند: واعظ، کبیر الشان، سخنور، باوقار خوانده‌اند. او مصدر تعلیم قرائت و پیشوای اهل مکه در ضبط قرآن بود که دارای دو راوی مشهور به نام احمد بن محمد بن عبدالله بن قاسم بن نافع بن ابی بزه مشهور به بزّی و محمد بن عبدالرحمن بن خالد بن محمد مخزومی معروف به قُنبَل که هر دو با دو واسطه از ابن کثیر قرائتش را روایت کرده‌اند. (همو، ج ۲، ص ۶۵۸).

۸-۳- عاصم کوفی

ابوبکر عاصم بن ابی النجود کوفی یکی از قاریان سبعة و در طبقه سوم قراء و از تابعان است. بعد از عبدالرحمن سلمی پیشوای قرائت قرآن در کوفه به او رسیده‌است. او در قرائت قرآن دارای قرائتی فصیح و متقن و قید به عبادت می‌باشد. دو راوی عاصم، حفص بن سلیمان اسدی فرزند همسر عاصم و ابوبکر شعبه بن عیاش بن سالم اسدی هستند که هر دو قرائت را به طور مستقیم از عاصم فرا گرفته‌اند. (ذهبی، شمس الدین، بی تا: ص ۵۲-۵۴؛ ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۲، ص ۵۲۹). ابن منادی مقری معروف می‌گوید: حفص بارها قرآن را بر استادش عاصم قرائت کرد و پیشینیان او را در قدرت حافظه از راوی دیگر عاصم (ابوبکر) بالاتر می‌دانند و او را به ضبط دقیق حروفی که بر عاصم قرائت می‌کرد توصیف می‌کنند. (ابن جزری، محمد، ۱۹۶۷: ج ۱، ص ۱۵۶).

۸-۴- ابو عمرو بصری

ابو عمرو زُبان بن العلاء المازنی البصری از قاریان سبعة و جزو طبقه چهارم قراء بود. اصالت وی ایرانی و مربوط به کازرون فارس می‌باشد در تعداد شیوخ نقل هیچ یک از قراء سبعة به پای او نمی‌رسند. ابو عمر به فصاحت، راستگویی و وسعت دانش مشهور بود و داناترین مردم در قرائات، ادبیات عرب و شعر و وقایع تاریخی بود. ابن جزری قرائت بخش عمده‌ای از بلاد اسلامی مانند: حجاز، عراق، مصر و شام غیر از دمشق را در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم قمری را مطابق قرائت ابو عمرو بصری ذکر می‌کند. دو راوی مشهور وی ابو عمر حفص بن عمرو بن عبدالعزیز الدوری البغدادی و ابو شعیب صالح بن زیاد بن عبدالله معروف به سوسی با واسطه یحیی بن مبارک یزیدی از ابو عمرو قرائت را فرا گرفته‌اند. (ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۱، ص ۴۴۴-۴۴۶).

۸-۵- حمزه کوفی

ابوعماره حمزه بن حبیب بن عماره بن اسماعیل زیات کوفی مولی عکرمه بن ربیع تمیمی یکی از قاریان سبعة و از طبقه چهارم قراء محسوب می‌شود نسب حمزه در اصل فارسی و از طبقه تابعی تابعین محسوب می‌شود. پیشوایی قرائت قرآن در کوفه را پس از عاصم و اعمش بر عهده داشت و مصدر تعلیم قرائت محسوب می‌شد. دو راوی مشهور حمزه، ابو محمد خلف بن هشام بن ثعلب البزار البغدادی الاسدی و ابو عیسی خلّاد بن خالد شیبانی کوفی که به واسطه سلیم بن عیسی از حمزه نقل قرائت کرده‌اند. (همان، ج ۲، ص ۲۱۶؛ ابن جزری: محمد، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۱۶۵).

۸-۶- نافع مدنی

ابورویم نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم اللیث یالمدنی دارای اصالتی اصفهانی بود از جمله قراء سبعة و در طبقه چهارم قاریان قرار داشت. نافع مدت طولانی پیشوای قاریان مدینه بود. راویان اصلی و مشهور نافع، ابو موسی عیسی بن مینا بن وردان معروف به قالون و دیگری عثمان بن سعید مصری ملقب به ورش و هر دو قرائت را مستقیم از نافع دریافت کردند. (ذهبی، شمس الدین، بی تا: ص ۶۴-۶۶؛ ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۳، ص ۱۳۱۹-۱۳۲۳).

۷-۸- کسائی کوفی

ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز کسائی اسدی جزو قاریان سبعة و از طبقه چهارم قراء محسوب می‌شود. کسائی زمان زیادی را در بغداد سپری کرد و پیشوای قرائت و ادبیات عرب گردید. راویان کسائی، ابوالحارث لیث بن خالد بغدادی و حفص بن عمر الدوری است که قرائت را مستقیم از کسائی نقل می‌کنند. (همان، ص ۷۴-۷۷؛ همان، ج ۲، ص ۷۸۴-۷۸۹) ابن جزری در رابطه با لیث بن خالد یکی از راویان کسائی می‌گوید او مردی مشهور و مورد اعتماد و استادی حافظ است وی از بزرگترین شاگردان کسائی بود و قرائت را از او فرا گرفت. (ابن جزری، محمد، ۱۹۶۸: ج ۱، ص ۲۵۵).

ابو جعفر مدنی: ابوجعفر یزید بن قعقاع مدنی از جمله قاریان عشره از طبقه سوم قراء و از جمله تابعان بود. وی فردی عابد و پیشوای مردم مدینه بود و از ابن عباس، ابوهریره و عبدالله بن عیاش نقل حدیث داشته‌است و کم حدیث بود دو راوی مشهور وی ابوالحارث عیسی بن وردان الحذاء و ابوالریع سلیمان بن مسلم بن جماز هستند که به صورت مستقیم از او قرائت را فرا گرفته‌اند. (ذهبی، شمس الدین، بی تا: ج ۵، ص ۲۸۷؛ ابن جزری، محمد، ۱۹۳۲: ج ۳، ص ۱۳۸۶-۱۳۸۹).

یعقوب حضرمی: ابو محمد یعقوب بن اسحاق الحضرمی از قراء عشره و در طبقه پنجم قاریان جای دارد. وی عالم ادبیات و وجوه عربی، فاضل، پرهیزکار و زاهد بود. افرادی همچون ابوجعفر الفلاس و اسحاق ابن ابراهیم از وی نقل حدیث کرده‌اند. راویان یعقوب، ابوالحسن روح بن عبدالمومن الهذلی البصریو ابو عبدالله محمد بن متوکل رويس البصری هستند که قرائت را مستقیم از یعقوب شنیده‌اند. (همان، ص ۹۵؛ همان، ج ۳، ص ۱۳۹۳)

از طرفی عقیده ابن جزری مصعب بن عمیر اولین کسی است که به مقرئ نامبردار شد همان گاه که نبی اکرم (ص) در عقبه اولی وی را برای تعلیم قرآن کریم به اوس خزرج به مدینه گسیل داشت. (حجتی، محمد باقر، ۱۳۷۳: ۲۶)

نتیجه

با گردآوری و تحلیل دیدگاه ابن جزری در رابطه با بحث قرائت در کتاب "النشر فی القرائات العشر" می‌توان دریافت که:

۱. ابن جزری قرائت را گاه به معنای علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف نطق به آن در میان قاریان معروف دانسته است.

۲. ابن جزری شرایط صحت قرائت را مراحل سه گانه که عبارتند از: الف) صحت سند، ب) مطابقت با قواعد عربی خواه افصح باشد یا نباشد؛ یعنی در صورتی که قرائت شیوع داشته و اما قرائت آن را با سند صحیح پذیرفته باشند چنین اختلافی در قواعد عربی آسیبی به قرائت وارد نمی‌کند و قرائت کلمه صحیح است، ج) مطابقت قرائت با مصحف عثمانی هر چند این تطابق مبنی بر احتمال باشد. لازم به ذکر است وی این ملاک آخر است که نشان می‌دهد چه قرائتی مورد پذیرش قرار گیرد و این یکی از مباحثی است که موجب اختلاف نظر سایر علما با ابن جزری می‌شود.

۳. به عقیده ابن جزری عوامل اختلاف در قرائت قرآن شامل: اختلاف در حرکات و کلمات بدون تغییر معنا و صورت کلمه، اختلاف در حرکات که موجب تغییر معنا و صورت کلمه می‌شود، اختلاف در حروف کلمه با تغییر کلمه و بقای صورت آن، اختلاف در حروف با تغییر صورت و بقای معنا، اختلاف در حروف با تغییر معنی و تغییر صورت، اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمه و در آخر اختلاف در زیادت و نقصان برخی کلمات قرآن را از عوامل اختلاف قرائت می‌داند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن جزری، محمد(۱۴۳۴ق)، النشر فی القرائات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، مصر، انتشارات: مکتبه العصریه.
۲. ----- (۱۴۲۰ق)، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ----- (۱۹۳۲م)، غایه النهایه، به کوشش برگشتر سر، مصر، انتشاراتک مکتبه الخانجی.
۴. ----- (۱۹۶۸م)، طبقات القراء، انتشارات جعفری.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، انتشارات: دار صادر.
۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق(بی تا)، الفهرست، نشر: بیروت- لبنان.
۷. الاندلسی، محمد بن شریح(۲۰۰۰م)، الکافی فی القرائات السبع، تحقیق احمد محمود السميع الشافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۸. اقبال، ابراهیم(۱۳۸۵ش)، فرهنگ نامه علوم قرآن، تهران، انتشاراتک چاپ و نشر بین الملل.
۹. امیری، جهانگیر(۱۳۸۳)، مبانی علم قرائت، قم، نشر ندای دوست.
۱۰. پاکتچی، احمد(۱۳۷۰ش)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات؟
۱۱. جرمی، ابراهیم،(۱۴۲۹ق)، مختصر العبارات لمعجم مصطلحات القراءات، ریاض: دارالحضاره للنشر.
۱۲. حاجی خلیفه(۱۹۶۷م)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، انتشارات دارالکتب العربی.
۱۳. حجتی، سید محمد باقر(۱۳۶۰)، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. ----- (۱۳۷۳)، تاریخ قرائات قرآن کریم، انتشارات اسوه.
۱۵. خوبی، سید ابوالقاسم(۱۴۰۱ق)، البیان فی علوم القرآن، انتشارات کعبه.

۱۷. دمیاطی، احمد(۱۴۲۷ق)، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، تحقیق انس مهره، لبنان: دار الکتب العلمیه.

۱۸. ذهبی، شمس‌الدین(بی تا)، معرفه القراء الکبار، تحقیق محمد سید جادالحق، دار الکتب الحدیثه مصر.

۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی(ش ۱۳۸۵)، دانش مهر، قم، انتشارات: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۲۰. -----(۱۳۸۴ش)، فرهنگ اصطلاحات تجوید و قرائت، قم، انتشارات: اسوه

۲۱. -----(۱۳۹۴ش)، «گونه شناسی منابع علوم و فنون قرائت»، فصل نامه مطالعات قرائت قرآن، (ش ۴، ص ۱۱۱-۱۲۸).

۲۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم(۱۹۵۵م)، مناهل العرفان، بیروت، انتشارات: دار الکتب العربی.

۲۳. سخاوی، محمد(۱۳۵۵ق)، الضوء اللامع، قاهره، انتشارات؟

۲۴. سیوطی، جلال‌الدین(۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، قم، انتشارات: منشورات الشریف الرضی.

۲۵. فضلی، عبدالهادی(بی تا)، تاریخ قرائت قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، انتشارات اسوه.

۲۶. معارف، مجید(۱۳۷۷ش)، «مقدمه ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن» «مقالات و بررسی‌ها» دفتر ۶۳.

۲۷. معرفت، محمد هادی، بی تا: التمهید فی علوم القرآن، انتشارات: جامعه مدرسین.

۲۸. میر تقی، سید حسین(۱۳۸۸ش) پایان نامه: «بررسی تجوید قرآن کریم در کتاب النشر فی القرائات العشر ابن جزری از دیدگاه آواشناسی نوین».

